



هستیم. تصمیم گرفتیم شام را در یکی از رستورانهای بین راهی بخوریم. صدقیانی مخالف بود. چون می گفت اگر شام بخورم رانندگی نمی توانم بکنم. خواب به چشمانم خواهد آمد. خلاصه استاد را به هر قیمت راضی کردیم تا شام بخورد، خوردن همانا استاد در خواب فرو رفتن همان. سرتان را درد نیاوریم. ۴ صبح به تهران رسیدیم. استاد در تهران از خواب بیدار شدند و تعجب کردند که در تهران هستیم. ساعت را پرسیدند، گفتیم هفت صبح است. گفت به منزل نمی روم. می روم اداره ساعت ۴ صبح رفتند اداره با در بسته مواجه شدند. شکایت ما را نزد دیده بان برد که ما را مواخذه کنند.

خاطره زمانی

محسن زمانی که خاطرات زیادی را با خود دارد می گوید: برای قضاوت در مسابقات فوتبال کارگران، اولین بازی را به من واگذار کردند. در دقیقه ۱۰ بازی خطایی را اعلام کردم. ناگهان یک بازیکن ۱۵۰ سانتی جلوی من ایستاد و با من درگیری لفظی را آغاز شد. مرا تهدید کرد و در ادامه از داخل جوارب یک چاقو در آورد. این اتفاقات در وسط زمین در حال شکل گیری است. نباید کوتاه می آمدم. سوت را به یک سوی زمین پرتاب کردم و با گرفتن یقه بازیکن، چاقو را از دستش خارج کردم تا بدانند که زمین فوتبال محل اینگونه کارها نیست. گذشته از آن اولین داوری هستم که در جام ملت های اروپا قضاوت داشته ام. جعفر نامدار داور بازی اتریش و آلمان شرقی بودند. بنده (زمانی) و محمد صالحی کمک ایشان بودیم.

خوشخوان: توصیه من به داوران جوان این است، خوب تمرین کنند و هم زیاد قضاوت کنند. تلاش زیاد می تواند به مسیر دستیابی به افتخارات را نزدیک کند. سابقه و حضور بیشتر می تواند در راه سازندگی مفید واقع شود، اگر قرار است به گوهری چون تجربه نزدیک و دست یافت باید فراتر از نام و اعتبار خود سوت زد. خاطر من هست سال ۶۱ کمک داور دربی بودم. داور صالحی بود. روی یکی از ضربات که آفساید به حساب می آمد، دروازه یکی از تیم های باز شد. صالحی گل را پذیرفت. اما من آن را آفساید اعلام کردم. سرو صدا شد. اما من روی حرفم ایستادم. چون بهترین فرد برای تشخیص آفساید من کمک داور بودم. خلاصه جنجال و سر و صدا شد. اما رای من ثابت ماند و رای صالحی عوض شد. فردای آن روز یکی از نشریات ورزشی عکس صحنه گل آفساید را چاپ کرد تا مشخص شود که بنده درست عمل کرده ام. از آن بازی به بعد من به جمع داوران پیوسته و از ردیف کمک داوران خارج شدم.

خوشخوان: کلام آخرم خاطرات با مجله دنیای ورزش است. هر شب در این نشریه به دنبال آرزوهای خود بودیم. چون دوران ما فقط دنیای ورزش بود و کیهان ورزشی. دو نشریه ای که در راه خدمت به ورزش قلم می زدند. به همین خاطر این دو نشریه همچنان به خاطر حفظ اصالت ماندگار شده اند.

اوریانست به صورت جدی در این ارتباط صحبت کردیم. قرار بود آقای ابوالفضل جلالی هم با ایشان همکاری کند، از من قول گرفت که با ایشان همکاری داشته باشم. خوب من به داوری پیوستم و جلالی با ایشان همکاری کرد.

خوشخوان: اگر قرار است به بحث فرهنگ توجه شود باید ریشه ای عمل کرد. فرهنگ بحثی نیست که یکی بدانند و دیگری ندانند. اگر در ورزشگاه های دنیا بین تماشاگر و زمین فوتبال فقط دو متر فاصله است و حتی بازیکنان در داخل میدان می توانند با تماشاگران روی سکوها دست بدهند. این به بحث فرهنگ مربوط می شود، آنها قوانین را می دانند، آنها احترام به یکدیگر را می دانند، آنها شناخت از جایگاه را می دانند. بنابراین هیچ اتفاقی نمی افتد. اگر قرار است فرهنگ را در ورزش ترویج دهیم باید ریشه ای و همه گیر باشد. بحث فرهنگ و ورزش جدا از یکدیگر نیست.

خاطره تلخ از داوری ندارم، لحظه به لحظه قضاوت برای من خاطره شیرین همراه داشت، اما مهمترین و به یادماندنی ترین خاطره قضاوت من به دربی سال ۶۲ برمی گردد. ورزشگاه آزادی آن روز فضای دیگری به خود گرفت. مردم مأمور نظم و انضباط بودند. بیش از ۱۲۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه آزادی حضور داشتند روی پیست، روی سکو، روی نورافکن ها، روی دیوارهای اطراف ورزشگاه، هر کجا که فکر کنید تماشاگر نشسته بود، قرار بود که آن روز همه چیز سالم و سلامت تمام شود، از اینرو هم ورزشگاه را به مردم و به تماشاگران سپرده بودند. خون از دماغ کسی نیامد، کسی ناراحت نشد. کسی هم آسیب ندید. بازی در نهایت آرامش و امنیت آغاز و به پایان رسید. استقلال نتیجه را یک بر صفر با گل پرویز مظلومی برد. کسی به من اهانت نکرد کسی از من ایراد نگرفت. کسی انتقاد نکرد. اما نباید از بحث استرس هم فاصله گرفت. آن روز تیم داوری استرس داشت. همین استرس هادر داوری باعث شد تا بنده بعد از بازنشستگی مجبور به جراحی عمل قلب شوم. این خاطره هرگز فراموش نخواهد شد.

مسافرت خارجی هرگز نداشتم. البته منظور این است که برای انجام قضاوت، مسافرت خارجی نداشتم. اما پس از انقلاب اولین باری که به میدان رفتم همراه با آقای زمانی و محمود خوشخوان برادر بزرگترم بود، به تبریز رفتیم و باید دیدار ماشین سازی و استقلال را قضاوت می کردیم. زمانی داور بود و من و برادرم (محمود) کمک داور بودیم.

مرحوم استاد حسین صدقیانی هم ناظر بودند. ۱۰ دقیقه از زمان بازی گذشته بود اما من هنوز خودم را پیدا نکرده بودم ۳۵ هزار تماشاگر در داخل ورزشگاه حضور داشت. اوت می شد نمی دانستم به کدام طرف پرچم بزنم. نمی دانستم چه بکنم. آنقدر به این سمت و آن سمت دویدم تا خودم را پیدا کردم. این نکته را هم به عنوان خاطرات از مسافرت به یاد دارم

زمانی وارد شد

در این لحظه محسن زمانی ادامه بحث خوشخوان را اینگونه دنبال کرد. قرار شد در پایان بازی همراه با استاد صدقیانی به تهران برگردیم. ایشان یک پیکان داشتند و بیش از ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر سرعت بیشتر رانندگی نمی کردند. حساب کردیم با این شرایط دو روز در جاده

تغییری حاصل نشده است.
حضور داوران ایرانی در مسابقات بین المللی و جام جهانی تا چه حد مؤثر است؟

زمانی: کسب موفقیت های تیم ملی و حضور در جام جهانی را تبریک می گویم. در کنار این موفقیت، باید زمینه حضور داوران را در مجامع بین المللی فراهم کنیم. محمد فغانی امروز این توفیق را یافته است. باید از او و دیگر داوران حمایت کنیم. معتقدم داوری ما از فوتبال ملی و باشگاهی بالاتر است. باید مرادوات را گسترش دهیم و بستر لازم را برای شرکت داوران تحصیل کرده و با انگیزه را در میادین برون مرزی فراهم کنیم.

خوشخوان: ما سالها در صحنه ورزش حضور داشتیم، خاک ورزش را خورده ایم. تلاش شد همان باشیم که دیده می شدیم. یک داور باید وجهت خود را حفظ کند. باید برای خود شخصیت قائل شود. ما هیچ توقعی از کسی نداریم، اما این تجربه ای که ما پس از سالها به دست آورده ایم، چیزی نیست که راحت به آن دست یافت. بنده با نظر آقای زمانی موافق هستم، باید در زمان افتتاحیه کلاس های داوری از داوران باتجربه دعوت کنند تا در کنار مرور قوانین داوری، تبادل تجربه هم صورت بگیرد. این به سود فوتبال و داوری فوتبال است.

اقدامات اخیر آقای کامرانی فر و جوانگرایی در کار داوری را چگونه ارزیابی می کنید؟

زمانی: هیچکس مخالف جوانگرایی نیست، باید در کنار باتجربه ها، رفته رفته از جوانها هم بهره برد. الان در مرز ۴۵ سالگی داور بازنشسته می شود. در گذشته داوران تا ۵۰ سالگی قضاوت می کردند، آقای خوشخوان تا ۵۴ سالگی در خدمت فوتبال بوده است. محسن ترکی در اوج کار داوری اش کنار گذاشته شد. آقای خوشخوان دربی استقلال و پرسپولیس را در حضور ۱۲۰ هزار نفر قضاوت کرد، در حالیکه ۵۱ سال داشت. به هر حال باید ارتباط منطقی در این زمینه برقرار شود و با حفظ تعادل از داوران باتجربه و جوان استفاده ببریم.

خوشخوان: جوانگرایی یک اصل است. جوانگرایی یک واقعیت است. باید به جوانترها میدان داد، اما پرداختن به جوانگرایی نباید به قیمت



فراموشی باتجربه ها شود. با تجربه ها گوهر هستند، به اعتقاد من تا زمانی که یک داور باتجربه می تواند در بحث خدمت رسانی مفید واقع گردد باید از وجود او استفاده کرد. جوانی باتجربه می تواند یک کوه را جابجا کند. بنابراین ادغام این دو عامل می تواند شرایط بهبود، آرامش و امنیت و رشد را برقرار کند.

چرا به مقوله آموزش توجه نمی شود؟

زمانی: این موضوع از مشکلات اساسی ماست. باتجربه ها به سادگی کنار گذاشته می شوند و آینده نگری نمی کنیم. چرا داوران قدیمی ناظر نمی شوند و به عنوان نماینده فدراسیون معرفی می شوند، این یک اشکال است، از طرفی داور باتجربه باید در کلاس ها یک ممتحن باشد، چون به قوانین و مسائل داوری احاطه دارد.

زمانی: هنگامی که مقرر شد مجله دنیای ورزش منتشر شود، با بیژن رفیعی که با هم معلم ورزش و عضو گروه راد بودیم، یک روز در قناری